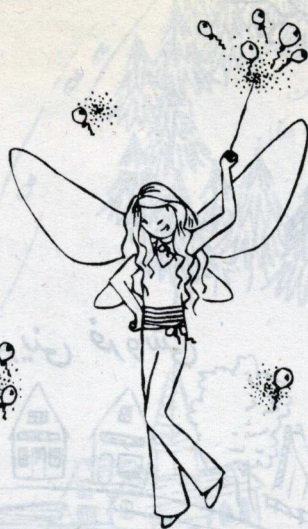


چادوی

رقصین کمان ۱۹

پری‌های میهمانی ۵



پالِی پری سرگرمی

نویسنده: دیزی مدوز
تصویر گر: جورجی ریپر
مترجم: شادی دبیری





۹

تفریح در جنگل وودلند

۱۹

مسابقه‌ی قاشق و تخم‌مرغ

۲۷

سر و کله‌ی پالی پیدا می‌شود

۳۳

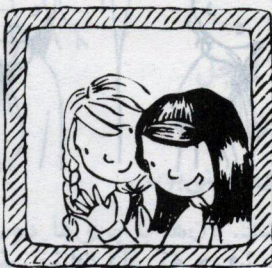
تعقیب شبخ خبیث

۳۹

راز هیجان‌انگیز پالی

۴۵

بسته‌ی جادویی



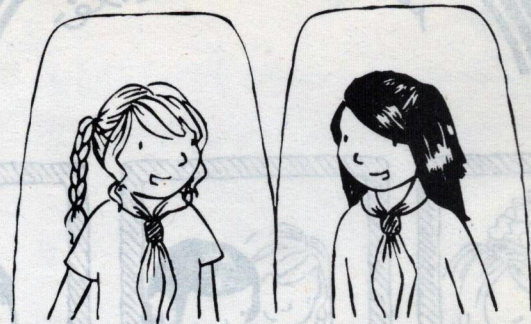
کریستی تیت از پنجره‌ی مینی‌بوس برای مادرش دست تکان داد و گفت: «خداحافظ مادرا!»

مینی‌بوسی که بچه‌های گروه دختران پیشاهنگ سوارش بودند از کنار کلیسا به راه افتاد. ریچل واکر، دوست صمیمی کریستی هم داد کشید: «خداحافظ خانم تیت!»

مینی‌بوس داشت از میان دهکده می‌گذشت که ریچل رو کرد به کریستی و با خوشحالی گفت: «چه قدر سرپرست گروه‌تان ماه



است که به من اجازه داد به اردوی گروه دختران پیشاهنگ بیایم.»
 کریستی با خنده گفت: «خُب، قرار است این هفته پیش ما بمانی.
 نمی‌شد که تو را به امان خدا بگذارم و بروم. حالا دیگر تو هم یکی
 از اعضای گروه دختران پیشاهنگ هستی.»



ریچل با تکان سرش نشان داد که حرفش را قبول دارد. هر دو
 لباس هماهنگ گروه دختران پیشاهنگ را پوشیده بودند. ریچل با
 ذوق و شوق گفت: «خیلی دلم می‌خواست یکی از این لباس‌ها داشته
 باشم. پارسال در اردو چه کار کردید؟»
 کریستی گفت: «گروه ما و بقیه‌ی گروه‌ها دور هم جمع شدند.
 بعد خیلی کارها کردیم؛ بازی، مسابقه‌ی دو و کلی جایزه. یک آتش
 درست و حسابی و بند و بساط کباب هم کنار چادرها برپا کرده
 بودیم.» بعد لبخندی زد و ادامه داد: «توی جنگل یک میهمانی
 باشکوه به راه انداختیم!»



ریچل با چشم‌های گرد
 شده پرسید: «میهمانی؟! پس
 یعنی...!»

کریستی بی‌اختیار با
 دست جلوی دهانش را
 گرفت و گفت: «وای! حواسم
 نبود. پس باید حواس‌مان به
 اشباح خبیث باشد...»

ظاهر کریستی و ریچل
 هم مثل بقیه‌ی اعضای گروه
 دختران پیشاهنگ توی مینی‌بوس

بود. ولی یک راز داشتند. آن‌ها با پری‌ها دوست بودند! هر وقت
 یکی از پری‌ها توی دردرس می‌افتاد، کریستی و ریچل سعی می‌کردند
 به او کمک کنند. بیشتر مشکلات هم زیر سر جک فراست بدجنس
 بود. او تا جایی که می‌شد بدجنسی کرده بود تا میهمانی پریان
 را خراب کند. آن‌ها می‌خواستند برای بزرگداشت هزارمین سال
 سلطنت پادشاه و ملکه‌شان جشنی بگیرند و غافلگیرشان کنند. هفت
 پری میهمانی مسئول برگزاری جشن بودند و جک فراست سعی
 داشت جلوی آن‌ها را بگیرد. او اشباح خبیثش را به دنیای آدم‌ها
 فرستاده بود که تا می‌توانند جشن و میهمانی انسان‌ها را به هم
 بریزند. این‌طوری پری‌های میهمانی برای سر و سامان دادن به

